

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۴  
صفحات: ۵۲-۲۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۱۰

## بررسی تقابلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه؛ در چهارچوب رهیافت تلفیقی سازه‌نگاری- واقع‌گرایی

دکتر سیدامیرمسعود شهرام‌نیا\* / سارا ویسی\*\*

### چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی و با ملاحظات کاربردی به ارائه تحلیلی منصفانه، تئوریک و واقع‌بینانه از ماهیت رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان در سوریه و منطقه بپردازد. سؤال پژوهش اینست که «دلایل اهمیت معنایی بحران سوریه برای هر دو گفتمان رقیب چیست؟». فرضیه پژوهش اینست که «به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی اهمیت بحران سوریه برای هر دو گفتمان، ماهیت متناقض اهداف و منافع (ایدئولوژیک و برتری هژمونیک) هر دو رقیب در سوریه و منطقه باشد». یافته‌های پژوهش در چارچوب رهیافت سازه‌نگاری بیانگر آنست که نوع بازی ایران (اسلام شیعی) و عربستان (اسلام سلفی) در سوریه و همچنین در کل منطقه ناشی از پندارهای متناقض هر دو گفتمان از یکدیگر است. همچنین پژوهش نشان می‌دهد که در چارچوب واقع‌گرایی قدرت محور، هر دو بازیگر در تلاش برای حفظ موقعیت برتر خود و متحدانشان در منطقه هستند.

### کلیدواژه‌ها

سوریه، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، سازه‌نگاری، واقع‌گرایی.

m\_shahramnia@yahoo.com  
sara.vey30@gmail.com

\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

## مقدمه

واژه «بهار عربی» برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ میلادی در پی حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام، برای پیش‌بینی شکل‌گیری موج جدیدی از دموکراسی در منطقه توسط رسانه‌ها و مفسران سیاسی به کار گرفته شد، اما کاربرد جدیدتر این واژه به معنای سرنگونی رژیم‌های غیر دموکراتیک عربی به اواخر سال ۲۰۱۰ بر می‌گردد؛ یعنی آن زمان که مردم شمال آفریقا موفق به سازماندهی خود بر محور یک هدف مشترک، یا براندازی رژیم‌های غیر دموکراتیک شدند. جمهوری اسلامی ایران این قیام‌ها را «بیداری اسلامی» نام نهاده است. با تمام این اوصاف سوریه نیز به خاطر وجود گسل‌های تاریخی، مذهبی و ژئوپلیتیکی از پس‌لرزه‌های زلزله سیاسی ایجاد شده در جهان عربی بی‌نصیب نماند. در حقیقت، تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی سوریه شده است. هم‌اکنون برای بیش از سه سال است که این کشور درگیر جنگ داخلی است. همچنین هر نوع تغییر در وضعیت فعلی سوریه به معنای تغییر معادلات سیاسی-امنیتی برای کشورهای منطقه بویژه ایران و عربستان خواهد بود. نگارندگان بر این نظر اند که نگاه و رقابت ایران و عربستان در بحران سوریه نه از منظر تعصب یا نفرت بلکه از منظر واقع‌گرایی سیاسی،<sup>۱</sup> جغرافیای سیاسی،<sup>۲</sup> جغرافیای اقتصادی<sup>۳</sup> و سازه‌های فرهنگی قابل تبیین است. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران و عربستان بعنوان دو رقیب منطقه‌ای، از منظر واقع‌گرایی سیاسی در صدد توسعه حوزه نفوذ، پیگیری اهداف و منافع ملی، ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیکی و از منظر رهیافت سازه‌انگاری<sup>۴</sup> در صدد ارائه سرمشق و تجویز ایدئولوژی برتر در منطقه هستند. در واقع سوریه برای هر دو بازیگر دارای عمق استراتژیک و ایفاگر نقش هویتی است. بنابراین سؤال پژوهش اینست که «دلایل اهمیت معنایی بحران سوریه برای دو گفتمان رقیب چیست؟». فرضیه‌ای که در همین راستا مطرح شده عبارتست از: به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی اهمیت بحران سوریه برای هر دو گفتمان ماهیت متناقض اهداف و منافع (ایدئولوژیک و برتری هژمونیک) هر دو رقیب در بحران سوریه و منطقه باشد.

- 
1. Political Realism
  2. Geo-Politics
  3. Geo-Economics
  4. Constructivism

### گفتار اول: چارچوب نظری: رهیافت ترکیبی؛ سازه‌انگاری و واقع‌گرایی

«هویت»<sup>۱</sup> از کلیدی‌ترین مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و بویژه رهیافت سازه‌انگاری است. سازه‌انگاران بر این باورند که آنچه کنش‌ها و واکنش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، هویت، فرهنگ، جامعه و روابط بین‌الذهانی است. به عبارت دیگر سازه‌انگاران هویت‌ها را عامل شکل دادن و تعریف منافع می‌دانند (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۱: ۳۸). اساساً سازه‌هوییتی، بحث محوری در هستی‌شناسی سازه‌انگاران است. «الکساندر ونت» هویت را خصوصیتی در کنش‌گران تلقی می‌کند که موجد تمایلات انگیزشی و رفتاری است. این به معنای آنست که هویت یک ویژگی ذهنی در سطح واحدهاست که ریشه در فهم کنش‌گران از خود دارد (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). بر اساس رهیافت سازه‌انگاری، بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل، بر اساس درکی که از خود، برداشتی که دیگران از آن‌ها و نیز شناختی که خود آن‌ها از برداشت و ماهیت دیگری دارند، عمل می‌کنند. بر اثر تعامل میان درک، شناخت و برداشت، عامل هویت برجسته و مایه افتراق میان دوست و دشمن، رقیب و حریف، خودی و غیرخودی (شیعه و سنی) می‌شود (نکوئی، ۱۳۸۸: ۱). همچنین بر اساس رهیافت واقع‌گرایی: ۱. برخلاف عرصه داخلی دولت‌ها، هیچ قدرت فائده‌ای در نظام بین‌الملل برای جلوگیری از کاربرد زور توسط یک دولت علیه دول دیگر وجود ندارد و لذا نظام بین‌الملل، یک نظام آنارشیک است؛ ۲. دولت‌ها بازیگران اصلی سیاست بین‌المللی هستند؛ ۳. ویژگی سیاست بین‌المللی بر مبنای تلاش برای کسب، حفظ و افزایش قدرت است؛ ۴. دولت‌ها قبل از اقدام به هر عملی، بی‌توجه به اصول اخلاقی جهان شمول، ابتدا به محاسبه هزینه-فایده آن می‌پردازند؛ ۵. پیش‌شرط دستیابی به اهداف ملی، بقاست و ۶. دولت‌ها برای بقای خود به تضمین دیگری اعتمادی ندارند، بلکه در تلاش هستند تا به خود متکی باشند (Collins, 2010: 17). اساساً رئالیست‌ها دارای نگرش «قدرت محور» برای ارزیابی سیاست بین‌الملل هستند. آن‌ها بر این باورند که بازیگران صحنه سیاسی همواره در حال تولید قدرت، افزایش قدرت و نمایش قدرت هستند. همچنین هر کشور بسته به شرایط ژئوپلیتیکی خود مبادرت به تولید و توسعه قدرت می‌کند. نیز بر این نکته تأکید می‌کند که کشورهایی که دارای اهداف آرمانی و جهان‌شمول و یا دارای مرزهای جغرافیایی وسیع هستند، بیشتر از کشورهای دیگر مبادرت به

تولید قدرت برای حفاظت و حراست و پیگیری اهداف خود می‌کند. به‌طور کلی برآیند تلفیق دو رهیافت سازه‌انگاری و واقع‌گرایی چهار متغیری خواهد بود که در افزایش یا کاهش رقابت میان بازیگران (ایران و عربستان و متحدین آن‌ها) نقش اساسی ایفاء می‌کنند. این چهار متغیر عبارتند از: ۱. متغیر قدرت: در واقع به موازاتی که قدرت یک دولت (ایران) افزایش می‌یابد، دیگری (عربستان) نگران سوءاستفاده احتمالی این دولت از قدرت خود شده و در پی جلوگیری از آن برمی‌آید؛ ۲. متغیر مجاورت: بحران‌ها و تهدیدات (مانند تحولات اخیر در جهان عرب) در دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، قابل تسری و همراه با عکس‌العمل خواهد بود؛ ۳. متغیر افزایش قدرت تهاجمی: دستیابی دولت‌ها به توانائی‌های نظامی و بازدارندگی خاص (مانند توان هسته‌ای) یا قابلیت‌های سیاسی ویژه (مانند ایدئولوژی گسترش‌یابنده) آن‌ها را تهدیدزاتر کرده و خطرهای واقعی یا تصویری را متوجه انسجام سرزمینی یا ثبات سیاسی سایر رقبا می‌سازد؛ ۴. متغیر نیت تهاجمی: عامل دیگری است که می‌تواند در ایجاد هراس و رقابت بین کشورها (ایران و عربستان) مؤثر باشد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴). بطور کلی دو نگاه نقش-محور نسبت به بحران سوریه وجود دارد: نخست، ایفای نقش بر محور ثقل جغرافیایی که بیشتر به نظریه واقع‌گرایی نزدیک است و دوم، ایفای نقش بر محور برداشت هویتی از منافع و حس تهدید از نقش سایر بازیگران که بیشتر به نظریه سازه‌انگاری نزدیک است (برزگر، ۱۳۹۲). بنابراین فعل و انفعالات ایران و عربستان در قبال بحران سوریه بطور اخص و مسائل منطقه‌ای بطور اعم در چارچوب دو رهیافت مذکور بیشتر به واقعیت نزدیک است تا تکیه بر تنها یکی از آن‌ها.

#### **گفتار دوم: اهمیت معنایی بحران سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی**

هرچند سابقه رقابت ایران و عربستان به قبل بر می‌گردد، اما در واقع تقابل اصلی میان این دو دولت، با آغاز تحولات عربی شروع و در بحرین آشکار گردید. در حالی که ایران از معترضین شیعی که در اکثریت هستند، حمایت معنوی می‌کرد، عربستان سعودی با تمام توان از رژیم حاکم این کشور حمایت نمود و در سرکوب معترضین، بعنوان متحد بحرین شرکت کرد. در یمن نیز دو کشور دچار تقابل منافع شدند و یکدیگر را متهم به دخالت در امور داخلی این کشور می‌نمودند. با آغاز اعتراضات شیعیان در عربستان که با سرکوب شدید همراه بود، ایران اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم سعودی را محکوم نمود و در مقابل عربستان سعودی، ایران را متهم

به حمایت از شورش‌ها و مداخله در امور داخلی این کشور نمود. با این حال بیشترین تقابل میان دو کشور در قضیه سوریه نمود یافت (عباسی، ۱۳۹۲). اساساً از منظر واقع‌گرای سیاسی، سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است. همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق و کشورهای مدیترانه به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین نقش استراتژیک است که کارشناسان روابط بین‌الملل، سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» لقب داده‌اند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).<sup>۱</sup> در ارتباط با متغیر «مجاورت» بعنوان عاملی مؤثر در تسری بحران‌های منطقه‌ای و جهانی می‌تواند گفت در وضعیت فعلی، بحران سوریه به شکل شبکه‌ای منجر به واکنش بازیگران منطقه‌ای و جهانی در قبال آینده این کشور شده است. در ارتباط با متغیر «نیات تهاجمی» در افزایش رقابت میان کشورها می‌توان گفت در مساله سوریه رقابت بین اسلام شیعی به رهبری جمهوری اسلامی ایران نظم سلفی‌گر از جانب محافظه‌کارترین کشور عرب یعنی عربستان برای هژمونیک ساختن ایدئولوژی خود، پشت پرده مسائل و معادلات جاری در صحنه سیاسی منطقه را بیشتر آشکار خواهد کرد. اساساً از آنجائیکه روابط ایران و عربستان به لحاظ ژئوپلیتیکی (مجاورت) و هویتی (نیات تهاجمی) ماهیتی تعارضی دارد، مساله سوریه جلوه‌های متفاوتی از تهدید را برای دو طرف بازنمایی کرده است. اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه برای ایران در چارچوب متغیر «قدرت تهاجمی ایران» یعنی محور مقاومت (که شامل ایران، سوریه، عرق، حزب‌الله، حماس و کمابیش جنبش‌هایی همچون اخوان المسلمین مصر می‌باشد)، همواره برای عربستان نگران‌کننده بوده است. هرچند ماهیت دو نظام جمهوری اسلامی ایران و سوریه تا حدود زیادی با هم متفاوت است، با اینحال روابط این دو کشور روابطی معنادار، تاریخی و در راستای منافع مشترک سیاسی و استراتژیک است. در همین رابطه «پیتز»، پژوهشگر سیاسی استدلال می‌کند که اتحاد سوریه و ایران یک اتحاد مصلحتی و یک نفع مشترک یعنی «مساله اسرائیل» است. او بر این باور است که بازپس‌گیری ارتفاعات

---

۱. جمعیت سوریه از پیروان ادیان گوناگون از جمله اسلام، مسیحیت و تعداد اندکی یهودی تشکیل می‌شود. با اینحال، بیش از ۸۶ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند که در این میان، اهل سنت با بیشترین میزان جمعیت قریب ۷۴ درصد، عنوان «اکثریت مذهبی» در این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. پس از این گروه، شیعیان ۱۱ درصد، مسیحیان ۱۰ درصد، دروزیان ۳ درصد و اسماعیلیان ۱/۵ درصد کل سکنه این سرزمین را در بر می‌گیرند (see: U.S. Department of State, 2003).

جولان که توسط اسرائیل در جنگ سال ۱۹۶۷ به تصرف این کشور درآمده است، بدون حمایت ایران و حزب الله قابل دستیابی نخواهد بود (Lawrence, 2007: 2). بنابراین سوریه از متحدان منطقه‌ای مهم ایران محسوب می‌شود. بویژه اینکه سوریه در مورد مسائل فلسطین و اسرائیل، سیاست هماهنگ‌تری با ایران دارد. همین مساله باعث گشته است که ثبات دولت اسد برای ایران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد (Ensher, 2011). ماهیت رابطه ایران با سوریه در بستر ضروریاتی چون مذهب تشیع، حمایت ایران از سوریه برای سرکوب اخوانی‌ها در دهه ۱۹۸۰، حمایت ایران از لبنان پس از حمله اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان،<sup>۱</sup> تشکیل جنبش حزب الله توسط ایران در لبنان و همچنین احیای جامعه شیعی این کشور در تعمیق روابط دو کشور نقش اساسی داشت. به لحاظ تاریخی نیز تیره شدن روابط بین دو جناح حزب بعث در عراق و سوریه یعنی صدام حسین، رئیس‌جمهور اهل تسنن عراق و حافظ اسد، رئیس‌جمهور علوی تبار سوریه، شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی (ره)، امضای توافقنامه کمپ دیوید که منجر به تضعیف مصر به‌عنوان خط مقدم مبارزه اعراب و اسرائیل شد و همچنین نیاز سوریه به متحد جدید در مقابله با خطر اسرائیل از جمله عواملی بود که منجر به تقویت روابط میان دمشق و تهران شد (Obeid, 2013).<sup>۲</sup> اما اهمیت معنایی سقوط رژیم اسد در سوریه برای ایران می‌تواند به معنی فرو ریختن پایگاه استراتژیک این کشور در خاورمیانه و جهان عرب باشد. به عبارت دیگر سقوط اسد به منزله تضعیف بلوک کشورهای شیعه یعنی تهران، بغداد، دمشق و حزب الله لبنان خواهد بود که بدیهی است این مساله به ضرر

---

۱. به‌طور کلی ایران از کمک به شیعیان لبنان دو هدف را دنبال کرده است: اول تقویت روابط میان شیعیان، با در نظر گرفتن این واقعیت که در خاورمیانه اهل سنت اکثریت جمعیت و قدرت را دارند. دوم تقویت شیعیان لبنان به‌عنوان یک نیروی که توان مقابله و مقاومت علیه اسرائیل را داشته باشد. این هدف جزئی از سیاست خارجی ایران است. شیعیان لبنان هم شیعه و هم عرب هستند و به این ترتیب عامل ارتباطی مهمی میان ایران و دیگر کشورهای عربی می‌توانند باشند (شاعری آیزنلور، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

۲. اسرائیل ایران را مستحکم‌ترین رفیق استراتژیک سوریه در همسایگی خود می‌داند. در واقع نگرانی رژیم صهیونیستی از سوریه بر سر ماهیت و توان نظامی به‌ویژه سلاح‌های شیمیایی بود که می‌توانست امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. لذا با ابتکار عمل آمریکا و قدرت‌های بزرگ در حال حاضر طرح خلع سلاح سلاح‌های شیمیایی سوریه در دستور کار قرار گرفته و این مساله تا حدود زیاد از نگرانی اسرائیل کاسته است. همچنین برای سال‌ها نقش‌آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرارگرفتن دمشق به عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی برای اسرائیل نگران‌کننده بود.

جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. به‌طور کلی تضعیف موقعیت سوریه برای ایران می‌تواند حاوی این پیام‌ها باشد:

۱. شکست در سیاست‌های اعلام حمایت از محور مقاومت؛ ۲. تضعیف نقش هژمونیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه؛ ۳. برتری گفتمان ایدئولوژیک رقیب یعنی اسلام سلفی - وهابی به رهبری عربستان؛ ۴. تداوم و تشدید خصومت اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران و ۵. انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی.

اما طرف دیگر قضیه سوریه، عربستان است؛ برای عربستان سعودی قیام داخلی سوریه به معنای شکسته شدن اجباری اتحاد استراتژیک سی‌وچند ساله ایران اسلامی و سوریه سکولار و وارد آمدن ضربه‌ای سهمگین به آرمان استراتژیک ایران به‌عنوان هژمون منطقه (نقش متغیر هژمون توسعه قدرت) خواهد بود. در این راستا عربستان با ارسال پول و سلاح به گروه‌های مسلح مخالف درصدد سرنگونی دولت اسد برآمده است (Rabi and Mueller, 2012: 1). از آنجایی که عربستان یکی از بزرگ‌ترین، پرجمعیت‌ترین و یکی از تولیدکنندگان عمده نفت در خاورمیانه می‌باشد و به‌علاوه این کشور پایتخت مذهبی جهان اسلام و مرکز چهار جهان (جهان خاورمیانه، جهان عرب، جهان اسلام و جهان انرژی) است (Gallarotti, Elfalily and Tayyeb, 2012: 6)، واکنش عربستان در قبال بحران سوریه امری طبیعی به نظر می‌رسد. به‌طور کلی تداوم بحران‌های منطقه‌ای بویژه مساله سوریه می‌تواند برای عربستان حاوی چند پیام باشد: ۱. تضعیف نقش هژمونیک این کشور بعنوان رهبر معنوی اعراب؛ ۲. تضعیف نقش این کشور بعنوان تولیدکننده عظیم نفت منطقه و جهان و در نتیجه بحران در ژئوپلیتیک انرژی و به تناسب آن واکنش قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات‌متحده؛ ۳. نگرانی از اوج‌گیری قدرت ایران در منطقه؛ ۴. تضعیف قدرت این کشور در مدیریت بحران‌های داخلی و ۵. از دست دادن متحدین استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی خود.

## گفتار سوم: اهداف سیاسی - ایدئولوژیک ایران و عربستان در سوریه

۱. اهداف سیاسی - ایدئولوژیک گفتمان اسلام شیعی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه  
۱-۱. بسط اسلام شیعی - فقهاتی

با رسمی شدن مذهب تشیع در ایران توسط شاه اسماعیل صفوی و با دعوت او از علمای شیعه جبل عامل لبنان و بحرین و ورود کتب اساسی شیعه از آناتولی، لبنان و عراق به ایران، اصول و دکرترین مذهبی تشیع تدوین گردید. سپس با پیروزی انقلاب اسلامی جنبه‌های بالقوه ایدئولوژی مذهب شیعه بالفعل‌تر و با طرح احیاء هویت‌یابی اسلامی در ایران و صدور آن به منطقه همراه شد (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۸-۳۷). در واقع انقلاب اسلامی ایران موجد یک فضای گفتمانی مبتنی بر عنصر معنویت‌گرایی و بازگشت به خویشتن بود که مخاطب آن نه ملت‌ها بلکه امت واحده بود. همچنین اصطلاح «صدور انقلاب» بعنوان سازه فکری امام خمینی(ره)، به حقیقتی نظر داشت که از یکسو انقلاب را مکلف به توجه امور مسلمانان و مستضعفان جهان و از طرف دیگر، ایدئولوژی انقلاب را به دیگر کشورها بعنوان مدل جدیدی از تغییرات بنیادین صادر می‌نمود.<sup>۱</sup> در زمینه بسط آرمان انقلاب، امام خمینی(ره) تأکید داشتند که «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۱: ۲۶۶).

به‌طور کلی مهم‌ترین شاخص‌های اسلام فقهاتی عبارتند از: عدم جدایی دین از سیاست، قهری بودن وجود حکومت، واجب بودن تأسیس حکومت اسلامی، مبنا قرار گرفتن حکومت اسلامی بر اساس ولایت‌فقیه، اتکا به حضور و مشارکت مردم در تشکیل حکومت، مبنا قرار گرفتن قانون اسلام و نیز اصولی چون تکلیف، مصلحت مردم، حفظ اسلام و دارالاسلام، دعوت و گسترش اسلام و نفی سبیل (صفایی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲). اصولاً هر انقلابی برای همسایگان نیز حاوی پیام‌ها و معانی می‌باشد. در همین رابطه، «برایر» و «کالور» معتقدند که در اثر تحول بزرگی مثل انقلاب که با تصاحب رسمی قدرت در ارتباط است، راه برای تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی باز می‌شود (Brier & Calvert, 1982: 11). بنابراین انقلاب اسلامی

۱- مسأله صدور انقلاب، یکی از چالش‌های اصلی دولت‌های منطقه بود؛ در حقیقت، حزب‌الله لبنان براساس آرمان‌های امام خمینی(ره) و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، همچون شعار «اسرائیل باید از بین برود»، است که قسم یاد کرده‌اند جنگ با اسرائیل را تا آخرین نفس ادامه دهند.



ایران به دلیل ریشه‌های دینی و تاریخی مشترک با جهان اسلام و کشورهای اسلامی و توفیق در براندازی نظام شاهنشاهی حاوی پیام‌هایی چون استقرار حکومت دینی، طرح اندیشه وحدت دنیای اسلام، تأکید بر محوریت امت، ارائه چهره‌ای ظلم‌ستیز به طرق مختلف، حمایت از جنبش‌های اسلامی در کشورهای مختلف با خود به همراه داشت (Akhavi, 1987). در پی خیزش‌ها و پیروزی انقلاب‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه، ایران وقوع این تحولات را در قاموس بیداری اسلامی و مطابق اصول راهبردی خود تفسیر کرد. جمهوری اسلامی ایران بر این اساس معتقد است استبداد داخلی و سلطه خارجی، مسلمانان کشورهای خاورمیانه را در طول چندین دهه چنان تحقیر کرده بود که برای بازیابی هویت دینی و اسلامی خود، برخلاف تمامی القانات و تبلیغات غرب برای گرویدن به نظام‌های لائسیسم و لیبرالیسم، گام در راه سه دهه پیش ایران گذاشته‌اند (صالحی، ۱۳۹۱: ۹۱). در این زمینه «راشد الغنوشی» بر این اعتقاد بوده است که با وجود اینکه پایگاه اصلی انقلاب اسلامی را مذهب تشیع تشکیل می‌دهد، اما این انقلاب وابسته به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری امت و هدایت آن تا رهبری تمدن جهانی است (کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۱: ۴۳). همچنین پژوهشگرانی نظیر «پروفسور یحیی»، استاد دانشگاه بایرو و «سیمون نوین» با ذکر شواهدی نظیر بهره‌گیری انقلابیون شمال آفریقا از شعار الله‌اکبر بر علیه دیکتاتورهای شمال آفریقا، اعتقاد به برتری شریعت اسلامی و موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی، بیداری جهانی اسلامی را ناشی از انقلاب اسلامی در ایران می‌دانند (نظری و قنبری، ۱۳۹۱: ۱۴۳). بطور کلی اگر «ژئوپلیتیک شیعه» را به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ مانند لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان در نظر بگیریم، در آن صورت تهران مرکز جغرافیای سیاسی شیعه در قلب خاورمیانه محسوب می‌شود و به تعبیر دقیق‌تر، اگر ترکیب فیزیکی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کنیم، شیعه در مغز و قلب آن قرار خواهد گرفت. بنابراین بسط ایدئولوژی اسلام شیعی در رأس اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

## ۱-۲. حمایت از دولت قانونی و روند مسالمت‌آمیز انتقال قدرت در سوریه

همان‌طور که اشاره کردیم سوریه برای سال‌ها از هم‌پیمانان ایران بوده است. برای مثال در طول جنگ تحمیلی نیز در برابر جهان عرب قرار گرفت و کمک‌هایی به ایران نمود. به‌علاوه این

کشور در محور مقاومت علیه اسرائیل که از ایران، لبنان و گروه‌های جهادی حماس و حزب‌الله تشکیل یافته است، قرار گرفته بود (Mohsen, 2011). با این وجود به نظر می‌رسد به دو دلیل؛ نخست وقوع چرخه گفتمانی مورد انتظار در دولت روحانی و حاکمیت نوعی از آرمان‌گرایی واقع‌نگر بر سیاست خارجی ایران و دوم به دلیل تقویت بعد واقع‌گرایی در جهت ایجاد توازن و تعادل میان عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، رویکرد ایران در خصوص بحران سوریه مبتنی بر تعامل با جامعه جهانی در جهت حل بحران و اصل قرار دادن خواست مردم سوریه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ این کشور در تعیین ساختار آینده نظام سیاسی این کشور باشد. این همان نکته‌ای است که در نخستین مصاحبه مطبوعاتی رئیس‌جمهوری منتخب، روحانی پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بر آن تأکید گردید (عباسی، ۱۳۹۲). بنابراین وخامت اوضاع سوریه و شکل‌گیری محور عربی- غربی بر ضد دولت اسد، همراه با اوضاع داخلی ایران به لحاظ تداوم بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌های شدید و مهم‌تر از همه روی کار آمدن دولت روحانی منجر به اتخاذ موضعی ملایم‌تر و سازشکارانه‌تر ایران در قبال رژیم اسد شد. به این معنا که ایران از منظر رهیافت واقع‌گرایی به این نتیجه رسید که سیاست بین‌الملل جای تدبیر و تصمیم‌گیری درست و تاریخی است و نباید همه داشته‌ها و اهدافمان را در سبد اسد قرار دهیم. لذا از آنجایی که سیاست برای قدرتمندان به معنی تبدیل کردن امور ناممکن به ممکن است، بنابراین دولت جدید در ایران با اتخاذ سیاست تعامل سازنده و ملایم با جهان بر حل بحران سوریه از طریق سوری- سوری تأکید نمود.

### ۳-۱. حمایت از حزب‌الله لبنان و حماس

دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا شواهدی دال بر اینکه حزب‌الله لبنان در حاکمیت یا کنترل ایران باشد، مشاهده نکرده‌اند، اما می‌دانند که پایداری حزب‌الله بستگی به منابع مالی و تسلیحاتی ایران دارد. برای مدت‌هاست که شاخه برون‌مرزی سپاه (شاخه قدس) در لبنان مستقر است و مشغول تعلیمات نظامی در این کشور می‌باشد (Cordesman, 2006: 2). همچنین جمهوری اسلامی بارها از جمله در جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۳۳ روزه و اخیراً در جنگ ۸ روزه حزب‌الله با اسرائیل رسماً اعلام کرد که از حزب‌الله حمایت نموده است. در همین راستا حمایت‌های جمهوری اسلامی از حماس نیز در حملات اسرائیل به غزه و تلاش این گروه در بازپس‌گیری سرزمین اشغالی فلسطین نیز قابل تأمل است. بی‌شک تحلیل چگونگی کمک‌های

ایران به حزب‌الله و حماس بدون در نظر گرفتن نقش سوریه بسیار مشکل خواهد بود، چراکه برای ایران خطر بی‌ثباتی سوریه دست کم شامل از دست رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ در منازعات اعراب-اسرائیل، مبارزان فلسطینی و متدیان شیعی در لبنان و بخصوص حزب‌الله خواهد بود (Nerguizian, 2012: 84). در زمان جنگ داخلی لبنان، حزب‌الله لبنان به کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، تعلیم نظامی داده شد و تحت حمایت مالی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی بود. به همین دلیل غربی‌ها بر این باورند که این کشور از روزهای اولیه شکل-گیری حزب‌الله در لبنان دخالت کرده است و به‌ویژه در این اواخر درصدد توسعه روابط با کشورهای شیعه‌نشین نیز بوده است. آن‌ها بر این باورند که ایران در تلاش است با ارائه کمک‌هایی نظیر پول، سلاح و حمایت‌های لجستیکی به حزب‌الله و حماس، اسرائیل را تحت فشار قرار دهد.<sup>۱</sup> اساساً پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم اشغالگر قدس و تحولات لبنان که در مجموع توازن قدرت را در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم زده، منجر به نگرانی اسرائیل و عربستان بعنوان دو رقیب منطقه‌ای ایران شد. از این‌رو در لبنان نیز عربستان سعودی تلاش زیادی کرد تا با حمایت از سعد حریری و جریان المستقبل ترتیبات سیاسی درون این کشور را به نفع خود تغییر دهد. همچنین حزب‌الله از سیاست‌های ایران بعنوان «پدرخوانده ایدئولوژی خود» در قبال سوریه بدین خاطر حمایت می‌کند که استمرار رژیم اسد را باعث پایداری خود در داخل لبنان و استقامت بیشتر علیه اسرائیل می‌داند. بطور کلی ایران و سوریه برای سال‌ها از متحدان گروه‌های فلسطینی مخالف مذاکرات با اسرائیل، از جمله حماس نیز حمایت می‌کردند. سوریه برای مدت‌ها اصرار داشت که هرگونه توافق بین فلسطینی‌ها و اسرائیل بایستی با اطلاع و با توافق سوریه حل‌وفصل شود. با این وجود، به نظر می‌رسد که هدف تهران از حمایت خود از فلسطینی‌ها بیشتر جنبه پرستیژیکی در میان اعراب و

۱- رژیم صهیونیست معتقد است که یکی از مهمترین شروط مهار تهدیدات حزب‌الله و فلج نمودن فعالیت‌های نظامی آن، قطع ارتباط این حزب با ایران است. آنان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را تنها راه قطع این ارتباط می‌دانند، زیرا بیشتر تحلیلگران و پژوهشگرانی که درباره نتایج تحریم‌های اقتصادی بر ایران بحث کرده‌اند، اعلام داشته‌اند که مطمئن نیستند این تحریم‌ها پشتیبانی ایران از حزب‌الله را متوقف سازد (بینا، ۱۳۸۸: ۸۲). در مقابل چنین رویکردی از جانب رژیم صهیونیستی، دبیرکل حزب‌الله نیز به دفعات با اتخاذ مواضع جانبدارانه از ایران حمایت خویش را اعلام داشته است. سید حسن نصرالله در پاسخ به سؤال خبرنگاران که «اگر غرب به ایران حمله کند، عکس‌العمل شما چه خواهد بود؟» اظهار داشت: «در این راه هر چه ولایت فقیه دستور بدهند ما آن را بدون چون و چرا و با تمام توان خود اجراء خواهیم کرد. دفاع از جمهوری اسلامی ایران یک مسئولیت شرعی است» (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

جهان اسلام دارد تا واقع گرایی سیاسی و در آینده نیز با روندی که دولت روحانی در پیش گرفته است، این احتمال وجود دارد که روابط با حزب الله و حماس به سوی موضع گیری های واقع بینانه تر بر پایه کسب قدرت برای افزایش منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پیش برود.

#### ۴-۱. استمرار دولت شیعی در عراق

در عراق برخی از گروه ها و جنبش های اسلامی (نظیر مجلس اعلای انقلاب عراق) با توجه به تجربه انقلاب اسلامی و ضرورت نفی نظام سیاسی نامشروع، درصدد برآمدند تا با به چالش کشیدن نظام سیاسی و کسب قدرت سیاسی به استقرار حکومت اسلامی مبادرت ورزند (Haliday, 1996: 78-79). سقوط دولت بعثی و به قدرت رسیدن جریان های شیعی به روش دموکراتیک، مهر تأییدی بر نگرش سیاسی شدن و قابلیت یافتن تشیع در جوامع عرب، بخصوص عراق بود. بعلاوه امروزه شیعیان عرب در کشورهای دیگر مانند بحرین و عربستان که مثالی از اکثریت و اقلیت اند، از تحولات جامعه شیعه عراق متأثر شده و می شوند (فلاح، ۱۳۹۱: ۵۷). «ولی ناصر» بر این باور است که افزایش قدرت شیعیان در عراق می تواند منجر به افزایش قدرت طلبی شیعیان در دیگر مناطق شود و حتی این امکان وجود دارد که در نهایت به جنگ شیعه و سنی بینجامد (Naser, 2006). در چند سال اخیر، بهبود روابط دولت نوری مالکی با حکومت شیعی ایران زمینه مساعدی برای تعامل تهران و بغداد فراهم کرده است. به همین دلیل شاهزاده ترکی فیصل، سفیر پیشین عربستان در واشنگتن، آشکارا گفته بود که کشورش نگران اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای برپا کردن حکومتی مانند حکومت خود در عراق است. از سوی دیگر ترس واقعی تهران این است که اگر رژیم اسد سرنگون شود، در سناریو اول ممکن است ضربه سختی به استراتژی ایران در عراق وارد کند. این مساله می تواند بی ثباتی در عراق و در نتیجه سرنگونی دولت کنونی (نوری مالکی) را به نفع یک سنی نشین در پی داشته باشد. اما یک سناریو دیگر این است که درگیری های سوریه می تواند منجر به گرایشات تجزیه طلبانه سنی ها شود و در نهایت عراق به سه کشور شیعه، سنی و مناطق کردنشین تقسیم شود. در هر حال این مساله پیامدهای امنیتی عمده برای ایران خواهد داشت و می تواند مشکلات زیادی بویژه در مناطق کردنشین و عرب ساکن این کشور هم مرز با عراق برای ایران ایجاد کند (Levy & Dacey, 2013: 28). بنابراین آینده عراق نیز به نوعی با تحولات سوریه گره خورده است و در

این بین نقش اساسی را میان ایران و عربستان بازی خواهد کرد. در واقع ایران و عربستان، عراق را همانند سوریه، برگ برنده‌ای برای خود تصور می‌کنند.

## ۲. اهداف سیاسی - ایدئولوژیک عربستان در بحران سوریه

### ۲-۱. بسط گفتمان اسلام سلفی - تکفیری<sup>۱</sup>

از منظر رهیافت سازه‌نگاری، سلفی‌گری، ایدئولوژی و مذهبی با انگیزه‌های بسیار متنوع و پیچیده است. بنابراین در جایگاه یک گفتمان، از یکدستی چندانی برخوردار نمی‌باشد. برای مثال تمام وهابی‌ها سلفی می‌باشند، اما همه سلفی‌ها وهابی نیستند. همچنین پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به عراق، برخی از سلفی‌ها با اسلام‌گرایان افراطی ادغام شدند و منجر به ظهور نوسلفی‌گری یا سلفی‌گری تکفیری - جهادی گشتند. سلفی‌گری مفهومی مشتق شده از «سلفی‌الصالح» به معنای پیشینیان پارسا می‌باشد. آن‌ها عمل صالحان گذشته به اسلام را مبانی درک و تفسیر خود از پدیده‌های تجربه نشده در جهان اسلام قرار داده‌اند (Moussalli, 2009: 1-11). در واقع سلفی‌ها جریان‌اتی اسلام‌نما هستند که روایات خود را بطور مستقیم از احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه، ابن القیم الجوزیه و محمد بن عبدالوهاب تیمیه نجدی می‌گیرند. این نحله در زمان پیدایش، بیشتر یک مکتب فکری - فرهنگی بود و تنها در قرن ۱۸ میلادی بود که ماهیتی سیاسی - نظامی به خود گرفت؛ یعنی آن زمان که محمد بن عبدالوهاب، دانشمند مذهبی (۱۷۰۳-۱۷۹۱) با شاهزاده محمد بن سعود یک اتحاد را که منجر به ظهور اولین دولت وهابی سعودی شد، تشکیل دادند. در آن زمان عبدالوهاب با یک تعریف مضیق از توحید و ایمان و گذاشتن شرایط ۱۰ گانه برای اهل ایمان، بیشتر مسلمانان از جمله اشاعره، حنابله، صوفیان و شیعیان را مشرک و کافر معرفی کرد و در راه مبارزه با آن‌ها به هر نوع خشونت و تکفیری توسل جست (Al-katib, 2009: 5-6). اساساً سلفی‌گری یک جریان واقع‌گرایی محسوس‌گرا و تجرد‌گریز در توحید ذاتی و عالم غیب به شمار می‌آید که مهمترین اصل معرفت‌شناسی آن، «نقل‌گرایی» به معنای «ترجیح نقل بر عقل» و التزام به لوازم آن و نیز مرجعیت آن به لحاظ روش‌شناختی است (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۸). بطور کلی اسلام سلفی،

۱- ریشه‌های سلفی‌گری، به ابن تیمیه می‌رسد. او از بزرگترین و برجسته‌ترین علما و فقهای حنبلی است که معتقد بود عقل، فلسفه، تشیع و تصوف نوعی بدعت محسوب می‌شوند. بنابراین، بازگشت به سنت پیامبر و عمل سلف، یعنی صحابه و تابعین، از عوامل جلوگیری از این بدعت است. از اینرو، سلفیه نامیده شدند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

شکلی از کنش کلامی- اجتماعی درون جوامع مسلمان است. صورت‌بندی گفتمانی اسلام سلفی بر احکامی مانند «اجرای شریعت و احکام دین»، «کنار زدن حکومت‌های سکولار»، «تشکیل دولت اسلامی»، «استفاده از اسلام در راستای منویات سیاسی» و مانند آن می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۸۰). به لحاظ سازه‌های فکری، نگارندگان بر این نظر اند که سلفی‌ها دارای نگرش «زیلوتیستی» هستند. زیلوتیسم نشان دهنده یک حالت ذهنی در فرد است که باورهای دینی تعبیه‌شده در ذهن خود را بدون استدلال عقلانی برتر می‌داند و حاضر به پذیرش هیچ‌گونه باوری متفاوت با باورهای ذهن خود نیست (Paul, 2007). در حال حاضر این گفتمان با این ایستار ذهنی منجمد شده، زمینه‌های تنش و جنگ شیعه و سنی را فراهم کرده است که نمونه آن را به خوبی در سوریه می‌بینیم.<sup>۱</sup> اساساً اسلام سلفی به خاطر نگرش تک‌بعدی و مطلق‌اندیش خود همواره در زایش فکری تروریسم نقش عمده را ایفا کرده است. در همین راستا آل سعود در همراهی با تکفیری‌ها به‌عنوان دو روی یک سکه در توسعه شبکه تروریسم و عوامل انتحاری نقش عمده‌ای در بحران برعهده گرفته‌اند. گفتمان اسلامی سلفی تا حدود زیادی همانند گفتمان اسلام شیعی در صدد بسط حوزه نفوذ خود می‌باشد. البته تفاوت دو گفتمان به غیر از ماهیت آنها، در روش‌های آنها نیز می‌باشد. در گفتمان اسلام شیعی، هدف هر وسیله‌ای را توجیه نمی‌کند، اما در گفتمان اسلام سلفی از هر وسیله‌ای برای نیل به هدف استفاده می‌شود. برای مثال آنان عمل ذبح دشمن خود را با دهشتناک‌ترین شیوه در جهت هدف بالاتر یعنی کسب رضای خدا توجیه می‌کنند. البته این عمل نقص دستگاه معرفت‌شناسی آن‌ها را می‌رساند. بنابراین گفتمان اسلام سلفی بالقوه زمینه‌های بسیاری از تنش‌های عقیدتی در منطقه را به همراه دارد. تفاوت دیگر اسلام شیعی با اسلام سلفی اینست که اسلام شیعی چه آن زمان که تنها یک مکتب بود و چه امروز که به شکل نظام سیاسی درآمده است، ماهیتی خودبنیان، مستقل و انعطاف‌پذیر با مقتضیات روز دارد اما اسلام سلفی چه در قالب تئوری و چه بر قامت یک نظام سیاسی، وابسته، سخت و غیر منعطف است.

۱- نگارندگان بر این باور اند که سلفی‌ها اعتقادی به دست‌آورد‌های عصر حاضر که در یک رابطه دیالکتیکی ذهن و عین پدیدار شده اند، ندارند و بنابراین در صدد تحمیل تصور ذهنی خود بر امور واقع و حقیقت هستند. این نگرش یعنی ایستایی و انکار دیالکتیک پیشرفت تاریخ و اندیشه و ضدیت با هرگونه مقوله مدرن است. اساساً وهابی‌ها و سلفی‌گراها به شکل حاضر نگرشی معیوب هستند که از سیر تکامل دیالکتیکی اندیشه ورزی مهجور گشته و در نتیجه به علت عدم قدرت بازتولید و انطباق خود با مسائل جهان معاصر دائماً اثبات خود را در انکار دیگران می‌بینند.

در مقطع کنونی، عربستان در تلاش است تا با نشان دادن تقابل شیعی- سنی و حمایت از اکثریت سنی در سوریه ضمن مهار مخالفان داخلی خود و حفظ همبستگی میان آن‌ها، حمایت خود را از برادران اهل سنت سوریه با ایجاد و القای این تصور که در زیر مشتم آهنگین نظام علوی و متحد وفادار ایران شیعی قرار دارند، ابراز دارد؛ امری که به دولت عربستان اجازه می‌دهد تا اعتبار مذهبی خود را به مخالفان داخلی‌اش بنمایاند (کریمی، ۱۳۹۲). اساساً روایت سلفی، نظم منطقه‌ای مطلوب خود را از طریق کاربرد قدرت برای مهار قدرت با موازنه قوا و بسترسازی برای دخالت بیشتر قدرت‌های فرا منطقه‌ای تکوین می‌بخشید. به عبارتی نظم سلفی در پی بازگشت گرایی و احیای مناسبات پیشین امنیتی در خاورمیانه و در رأس آن عربستان در منطقه، بویژه در زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس است (فلاح، ۱۳۹۱: ۷۶). در این راستا یکی از دلایل عربستان برای مداخله در سوریه و تقویت جبهه مخالفان اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری بوده است؛ امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی نیز می‌باشد. بنابراین عربستان در همراهی با روحانیون سلفی، خود را حامی اکثریت سنی در سوریه می‌داند. اساساً حملات علیه شیعیان در سوریه با فتوای وهابی‌های سعودی صورت می‌گیرد. وهابیون و مقامات ریاض با جهت دادن کشتارها به سمت شیعیان می‌خواهند اینگونه القاء کنند که آنچه در سوریه می‌گذرد، نبرد میان شیعه و سنی است و این در حالی است که دولت اسد در واقع به دلیل قرار گرفتن در محور مقاومت ضد صهیونیستی مورد هجوم قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. پشتیبانی از مخالفان دولت اسد (سلفی‌های تکفیری)

درگیری‌های مداوم داخلی بین حامیان اسد و نیروهای اپوزیسیون سیاسی و نظامی در سوریه بطور فزاینده‌ای زمینه تبدیل شدن آن را به جنگ منطقه‌ای فراهم کرده است. بدین سان قدرت‌های اصلی منطقه و جهان بطور مستقیم و غیرمستقیم در جنگ داخلی سوریه درگیر شده و هر یک به حمایت یکی از طرفین متخاصم برخاسته‌اند. در این میان، پادشاهی عربستان

۱- از سال ۱۹۷۹، سوریه به علت حمایت از گروه‌های رادیکال مذهبی و ضد اسرائیلی در ایران، لبنان و فلسطین، به دفعات توسط دولت ایالات متحده آمریکا در فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی قرار گرفته است. این درحالی است که ایالات متحده از سوریه به خاطر کمک در ردیابی و دست‌گیری اعضای تروریست سازمان «القاعده»، که توسط اسامه بن لادن تأسیس گشته، تقدیر کرده است (Prados and Sharp, 2005: 17).

بعنوان قدرت برتر منطقه‌ای از مخالفان اسد حمایت می‌کند (Guzansky and Berti, 2012). در تحولات میدانی اخیر در سوریه، عربستان استراتژی براندازی اسد را در پیش گرفته است. از این رو این کشور درصدد پشتیبانی مالی، لجستیکی، اطلاعاتی و رسانه‌ای، تهیه سلاح و مهمات به داخل سوریه است. عربستان همچنین با ایجاد فشارهای مختلف و اعزام ناظران متعدد، ضمن هماهنگی با محور غربی، سعی در بین‌المللی کردن پرونده سوریه دارد. عربستان همواره پشتیبان مالی و فکری گروه‌های سلفی و وهابی تندرو در منطقه و جهان بوده است. گروه طالبان بعنوان یکی از معروف‌ترین گروه‌های افراطی، تندرو و خشن و بسیاری از گروه‌ها با همین رویه در عراق، مصر، اردن، پاکستان، افغانستان و ایران، تحت حمایت عربستان بوده‌اند. این کشور از این گروه‌ها جهت پیشبرد منافع سیاسی خود استفاده می‌کند و نگاهی ایدئولوژیک به منطقه دارد. در همین راستا، گزارش‌های رسیده حاکی از پشتیبانی‌های همه‌جانبه عربستان از مخالفان حکومت سوریه بخصوص گروه‌های سلفی رادیکال است (Michel, 2011).<sup>۱</sup>

### ۲-۳. طرح هلال شیعی و ایران هراسی

در سال‌های اخیر، وقوع تحولاتی چون سرنگونی رژیم استبدادی و سکولار پهلوی توسط گروه‌های شیعی در ایران، سقوط رژیم بعثی در عراق و پیروزی‌های چشمگیر «حزب‌الله» لبنان طی نبرد ۳۳ روزه در مبارزه با اسرائیل، موجب شده است تا بسیاری از آن در هراس باشند که تشکیل یک به اصطلاح «هلال شیعی» توسط ایران، عراق، لبنان و بطور کلی شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، عملاً عرصه را بر حکومت‌های عمدتاً سنی مذهب تنگ‌تر و منافع آنان را در آینده تهدید کند. این طرح که انگیزه اصلی از تدوین آن، مقابله با محوریت بلامنازع ایران در جهان تشیع است، توسط ملک عبدالله، پادشاه اردن، در سال ۱۳۸۳ ارائه گردید و از سوی رژیم‌های ایالات‌متحده، بریتانیا، اسرائیل، مصر و عربستان مورد تأیید و استقبال قرار گرفت. این مجموعه ژئوپلیتیک که نمای جغرافیایی‌اش هلال مانند ترسیم شده، از ایران و به رهبری ایرانیان آغاز می‌شود، عراق و سوریه را دربر می‌گیرد و با «حزب‌الله» لبنان و «حماس» در فلسطین پایان می‌پذیرد. هلال شیعی که بزرگ‌ترین منابع سوخت فسیلی جهان، از خلیج‌فارس تا دریای خزر را در اختیار دارد، به تعبیر ملک عبدالله، قصد دارد تا از طریق

۱- عربستان سعودی از سال ۱۹۸۲ عملاً سلفی‌های سوریه را تغذیه کرده است. این رویکرد نه تنها در سوریه بلکه در اردن و یمن نیز اتفاق افتاد است.



گسترش عملیات تروریستی و انتحاری «حزب‌الله» و «حماس» بر جهان اسلام برتری یابد و اسرائیل را از میان بردارد (احمدی و حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۳). از طرفی شیعیان عربستان بطور قابل توجهی بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران تقویت شدند؛ برای مثال در اواخر نوامبر ۱۹۷۹ فعالان شیعه قیامی را علیه دولت در این کشور به راه انداختند که به انتفاضه استان شرقی معروف شد (Beranek, 2009: 4). بنابراین آل سعود به پشتوانه علمای سلفی و وهابی با تدوین یک برنامه بلندمدت برای اجتناب از نفوذ معنوی ایران در این کشور و دیگر کشورهای محافظه‌کار سنی درصدد است که با تبلیغات گسترده، کشورهای منطقه را از عواقب توسعه ژئوپلیتیک شیعه آگاه سازد.<sup>۱</sup> به باور ملک عبدالله، این اقدام آمریکا در عراق (که به منظور دموکراسی سازی در این کشور انجام گردید) بود که انگیزه لازم برای تشکیل هلال شیعی را در ایران ایجاد کرد (Helfont, 2009). در حقیقت و به تعبیر «گراهام فولر» ریاض، امروز جوپای به تصویر کشیدن ایران بعنوان مرکز تهدید نوینی است که علیه پادشاهی عربی وجود دارد. نه به این دلیل که فارس است بلکه بالاتر از آن به دلیل آنکه شیعه است (Fuller, 2011).

#### ۲-۴. حمایت از متحدان خود در منطقه

با شروع خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، متحدین و هم‌پیمانان عربستان سعودی که دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری بودند، یکی پس از دیگری سرنگون شده و یا دچار بحران شدند. حسنی مبارک در مصر، زین‌العابدین بن علی در تونس که بعد از سقوط به عربستان گریخت و نیز بحران و درگیری در بحرین و اردن از این دسته است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۲: ۱۱۸). یکی دیگر از متحدین منطقه‌ای عربستان، گروه ۱۴ مارس در لبنان است. آل سعود بر این عقیده است که سوریه مجرای اصلی فرستادن سلاح از ایران به حزب‌الله بعنوان یک حزب سیاسی شیعه و گروه شبه‌نظامی قدرتمند در لبنان است. از این‌رو عربستان از گروه‌های مخالف حزب‌الله بویژه از خانواده «سعد حریری» حمایت می‌کند (Manfred, 2010). در وضعیت فعلی حضور نیروهای حزب‌الله در سوریه، موازنه قوایی میان نیروهای درگیر در بحران سوریه پدید آورده‌اند. مقامات سعودی می‌دانند که موضع اسرائیل و غرب در قبال مساله سوریه، موضعی تعیین کننده نیست و به محض پیروزی اسد در سوریه که همانا پیروزی ایران و

۱- در همین راستا و به لحاظ تاریخی، شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ مه ۱۹۸۱ میلادی با هدف مقابله با آنچه که این کشورها (عربستان، عمان، عراق، قطر، یمن، مصر، اردن) آن را خطر انقلاب اسلامی می‌نامیدند، تشکیل شد.

حزب الله است، حزب الله با دست پر به عرصه سیاسی لبنان باز خواهد گشت و نیز نیروهای تحت حمایت عربستان در لبنان که همان نیروهای سعد حریری هستند، در مقابل حزب الله چاره‌ای جز پذیرش غلبه آن‌ها ندارند (سالاری، ۱۳۹۲: ۳). نفوذ سیاسی عربستان با روی کار آمدن «نجیب میقاتی»، نخست‌وزیر پیشین لبنان که جریان حزب الله و ۸ مارس را نمایندگی می‌کرد، به انزوای ریاض در لبنان دامن زد. همچنین خروج سعد حریری، نخست‌وزیر اسبق لبنان از این کشور که مورد اعتماد عربستان بود، مهر تأییدی بر از بین رفتن رد پای عربستان در بازیگری لبنان زد. از این‌رو آل سعود در حال تکمیل سناریوی خود برای حضوری تأثیرگذار در تحولات لبنان است. با این حال آل سعود اکنون از طریق گروه ۱۴ مارس در لبنان به رهبری «سعد حریری» سلاح‌های زیادی نیز در اختیار گروه‌های سلفی قرار داد تا در ابتدا به بحران سوریه دامن بزنند و سپس موجبات سرنگونی نظام سوریه را فراهم کنند.

متحد منطقه‌ای دیگر عربستان، خاندان آل خلیفه در بحرین است. در حقیقت بحرین در محور نخست جهان‌بینی سیاسی سعودی قرار دارد و از جمله فوری‌ترین مسائل سیاست خارجی عربستان، حفظ امنیت و ثبات این کشور است، زیرا افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی امنیت محور عربستان، از جمله کشورهای شورای همکاری است که از نظر امنیتی کاملاً به ریاض وابسته است (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۸). سعودی‌ها از همان آغاز اعتراضات مردم بحرین، خواستار سرکوب آن بوده‌اند، چراکه انقلاب مردم بحرین می‌تواند برای شیعیان عربستان نیز الهام‌بخش باشد، بخصوص که بعد از تشکیل دولت شیعی در عراق، عربستان این قیام را در چارچوب ژئوپلیتیک شیعه تفسیر می‌کند (صالحی، ۱۳۹۱: ۹۵). بنابراین بازتاب رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در سوریه را حتی در قضیه بحرین نیز می‌توان مشاهده کرد. در واقع بحرین و سوریه نقش موازنه دهنده را برای ایران و عربستان بازی می‌کنند؛ برای مثال در حالیکه ایران از قیام مردم بحرین به صورت جدی حمایت کرد، آل سعود حامی خاندان آل خلیفه در این کشور بود. عکس این قضیه در اوایل شروع بحران سوریه برای ایران و عربستان اتفاق افتاد؛ به گونه‌ای که در حالیکه ایران با حمایت از دولت اسد، خواهان برقراری دوباره نظم و ثبات به سوریه بود، عربستان درصدد پشتیبانی از نیروها و جریان‌های مخالف داخلی این کشور برآمد.

## نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، کمتر به معادلات داخلی خود سوریه پرداخته شد و تمرکز پژوهش بیشتر به روی بازتاب‌ها و پیامدهای بحران سوریه در سطح تحلیل کلان یعنی سطح منطقه‌ای قرار داشت. در پاسخ به سؤال پژوهش که «دلایل اهمیت معنایی بحران سوریه برای دو گفتمان رقیب چیست؟»، در چارچوب دو رهیافت سازه‌انگاری و واقع‌گرایی سیاسی این فرضیه را مطرح کردیم که ظاهراً دلیل عمده اهمیت بحران سوریه برای ایران (اسلام شیعی) و عربستان (اسلام سلفی) به ماهیت متناقض اهداف و منافع (ایدئولوژیک و برتری هژمونیک) هر دو رقیب در مسائل سوریه مرتبط است. در ارزیابی و نتیجه‌گیری کلی از این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که در چارچوب رهیافت سازه‌انگاری و واقع‌گرایی منفعت‌محور، ایران و عربستان به وضوح رقبای یکدیگر محسوب می‌شوند. نیز امروزه این رقابت را به‌خوبی در قضیه سوریه می‌بینیم. در واقع مساله سوریه به کانون معادلات سیاسی-امنیتی و رقابت‌های ایدئولوژیک این دو بازیگر تبدیل شده است. عربستان حمایت ایران از رژیم اسد را روندی از توسعه‌طلبی ژئوپلیتیکی شیعه (هلال شیعی) با پشتوانه فعالیت‌های فکری-عقیدتی و هسته‌ای و آنرا خطری برای آینده خود می‌پندارد. ایران نیز سیاست‌های عربستان در سوریه را در راستای اسلام تکفیری و همسو با منافع رژیم صهیونیستی و نظام سلطه و نیز سرکوب اقلیت شیعه در این کشور می‌پندارد. همچنین به این نتیجه رسیدیم که در پندارهای ایران و عربستان از هم بعنوان دو رقیب، اساساً مذهب یا ایدئولوژی شیعی و سلفی نقش اصلی را ایفا خواهند کرد. چراکه اساساً گفتمان اسلام سیاسی شیعی رسالت‌محور، ضد نظام سلطه، آرمان‌گرا، تجدیدنظرطلب و منعطف است، در حالیکه در مقابل گفتمان اسلام سلفی، گذشته‌گرا، انعطاف‌ناپذیر و مخالف با مکتب شیعه می‌باشد و این بدان معنی است که زمینه‌های بالقوه‌ای برای تنش‌آفرینی منطقه‌ای به رهبری ایران و عربستان وجود دارد که بهترین نمونه این رقابت‌ها و تنش‌ها را در حال حاضر می‌توان در مسئله بحرین، عراق و به‌صورت بارزتری در قضیه سوریه مشاهده کرد. در واقع نظم انقلابی شیعی که جمهوری اسلامی ایران پیش‌تاز و پرچمدار آنست، بر نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری در داخل و خارج منطقه تأکید می‌کند اما نظم سلفی که عربستان سعودی بر پایه آموزه‌های وهابیت، مرجعیت فکری-سیاسی و پرچمداری آن را بر عهده دارد، بر پذیرش سلطه و دخالت قدرت‌های خارجی قرار دارد و هدف از این سلطه‌پذیری و بسترسازی برای تسهیل دخالت خارجی نیز موازنه‌سازی در برابر نظم انقلابی شیعی و مهار آنست (صالحی، ۱۳۹۱: ۸۹).

همچنین به این نتیجه رسیدیم که هرچند در چارچوب رهیافت واقع‌گرایانه و منفعت‌طلبی سیاسی در مقاطع تاریخی منافع مشترک منجر به همسویی و نزدیکی مصلحتی و منفعتی بین ایران و عربستان شده است، با این حال نتیجه و ارزیابی مقاله نشان داد که در چارچوب رهیافت سازه‌انگاری در درازمدت شاهد دور‌جدیدی از رقابت‌ها و تنش‌ها بین ایران و عربستان در حوزه هویتی - فرهنگی به شکل مقابله درون‌تمدنی خواهیم بود.

از آنجا که در چارچوب رهیافت سازه‌انگاری یکی از عوامل اصلی هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که در قانون اساسی نیز آمده، حمایت از مظلومین و سازمان‌های آزادی‌بخش برای رسیدن به آمال آرزوهایشان که اصلی‌ترین آن استقلال است، می‌باشد، بنابراین حمایت از گروه‌هایی مثل حماس و حزب‌الله در حیطه امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران می‌گنجد. به عبارت دیگر، وقتی کشوری عمق استراتژیک سیاست خارجی خود را فلان گروه، مساله یا کشور قرار می‌دهد، معنایش اینست که آن مساله برایش حیاتی و در نتیجه جزئی از رهیافت امنیتی‌اش است (موسوی شفاءئی و شاپوری، ۱۳۹۰: ۱۷۹). همچنین در چارچوب رهیافت واقع‌گرایانه به این نتیجه رسیدیم که در عرصه سیاسی - استراتژیک، اهمیت مساله سوریه برای ایران اینست که سوریه برای مدت‌ها نقش پل ارتباطی بین ایران با لبنان و با مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس، که یک جبهه ضد اسرائیلی به نام جبهه مقاومت را تشکیل می‌دهند، ایفاء کرده است. همین مساله حمایت ایران از مجموعه مقاومت بویژه سوریه باعث شد که در سال ۲۰۰۱ ایالات متحده، سوریه را همراه با ایران بعنوان محور شرارت و پشتیبان تروریسم خطاب کند.

نتیجه دیگر اینکه صحنه مهم دیگر رویارویی نیابتی ریاض و تهران، کشور کوچک اما حساس لبنان است. در سال‌های اخیر و پس از ترور رفیق حریری، دو بازیگر اصلی رقیب در صحنه سیاست لبنان، یعنی جنبش مقاومت حزب‌الله و جناح ۱۴ مارس، هر کدام به ترتیب مورد حمایت ایران و عربستان قرار داشتند. عربستان قتل رفیق حریری را از چشم سوریه دید. قتل او در فوریه ۲۰۰۵ و جنگ میان حزب‌الله و اسرائیل که در ژانویه ۲۰۰۶ رخ داد، موجب منزوی شدن سوریه در جهان عرب شد. اعراب بویژه اعراب حوزه خلیج فارس، از قتل رفیق حریری که از دوستان آل سعد بود، بسیار خشمگین شدند و حزب‌الله را به‌عنوان بازوی قدرت ایران دانستند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۰). همچنین عربستان در جریان اعتراضات داخلی یمن نقش محافظه‌کارانه خود را به‌خوبی نشان داد؛ در این کشور نیز عربستان تلاش کرد

تا جلو پروسه دموکراسی خواهی مردم یمن را با تهدید و قرار دادن مجریان و عوامل دست نشانده خود در این کشور بگیرد و آن را تحت مدیریت خود درآورد. بعلاوه عربستان تلاش کرد تا از نفوذ شیعیان و جریانات نزدیک به ایران در این کشور جلوگیری کند. برای عربستان از منظر رهیافت واقع گرایی که یکی از مفروضات آن بازی در میدان سیاست به شیوه برد و باخت است، مقاومت و ماندگاری اسد بر سر قدرت به معنای باخت این کشور از ایران می‌باشد. عربستان همواره فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی ایران در حوزه‌هایی چون صدور انقلاب، تلاش برای سرنگونی دولت‌های مستبد منطقه، ایجاد شبکه‌های هواداران ایران در کشورهای عربی محافظه کار و متحدان عربستان و نیز انجام فعالیت‌های هسته‌ای برای ایجاد بازدارندگی را خطری جدی برای خویش تلقی می‌کند. واقعیت اینست که عربستان از دهه‌های طولانی با نگاهی بدبینانه به ایران و گسترش نفوذ آن در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و این مساله با نزدیک شدن ایران به ایالات متحده آمریکا و پایان یافتن بحران هسته‌ای ایران در حال شدت یافتن است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). «گفتمان اسلام سلفی و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۴.
- احمدی، سیدعباس؛ حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال ۸، شماره ۳۰، تابستان.
- احمدیان، حسین؛ زارع، محمد (۱۳۹۰). «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال ۲، شماره ۲.
- اخوان کاظمی، بهرام؛ مشتاقی، الله کرم (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۱، شماره ۱.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «رنالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۶.
- برزگر، کیهان (۹۲/۴/۸). «نقش بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه از منظر رنالیسم کلاسیک و سازه‌نگاری»، در

- موسوی خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۵۸). *صحیفه نور*، چاپ چهارم، جلد ۱۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «ژئوپلیتیک نوین شیعه در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۸، شماره ۲.
- جوکار، محمداصداق، طوسی، مهدی (۱۳۸۹). «تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵.
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱). «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی (با نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه)»، *مجله پانزده خرداد*، سال ۱۰، دوره ۳، شماره ۳۴.
- سالاری، مریم (۱۳۹۲). *امکان‌سنجی همسویی ایران و عربستان در کانون‌های بحران منطقه‌ای*، تهران: پژوهشکده مطالعات روابط بین‌الملل.
- سید نژاد، سید باقر (۱۳۹۰). «رویکردهای فلسفی و جریان سلفی‌گری»، *فصلنامه دین*، سال ۸، شماره ۱۱.
- شاعری آیزنلو، روشنگر (۱۳۸۲). «روابط ایران و لبنان»، *مصاحبه با مجله گفتگو*، شماره ۳۷.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران هراسی: دلایل و پیامدها»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال ۲، شماره ۶.
- شفائی، موسوی؛ شاپوری، مهدی (۱۳۹۰). «ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پرخطر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۴، شماره ۴.
- صالحی، حمید (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۵، شماره ۱.
- صفایی‌زاده، مرضیه (۱۳۹۰). «جنبش‌های اسلامی در کشاکش هویت و تجدد؛ بازخوانی ماهیت خیزش‌های جهان اسلام با نگاهی به کتاب رضوان‌السید»، *مجله پانزده خرداد*، سال ۳، دوره ۳، شماره ۹.
- عباسی، عزیز (۱۳۹۲). «متغیرهای تأثیرگذار بر رویکرد ایران در قبال بحران سوریه»، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۶ تیرماه، مندرج در در <http://fa.merc.ir/View/tabid/127/ArticleId/2200.aspx>
- عزیزی، هوشنگ (۱۳۹۲). «چالش‌های روابط ایران و عربستان در دوران روحانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳ آبان ماه، مندرج در <http://fa.merc.ir/View/tabid/127/ArticleId/2200.aspx>

فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی و دگردیسی محیط سیاسی شیعیان در فضای نوین خاورمیانه»، *مجله ۱۵ خرداد*، سال ۱۰، دوره ۳، شماره ۳۳.

گلشنی، علیرضا؛ باقری، محسن (۱۳۹۱). «جایگاه حزب‌الله در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۱، تابستان.

نظری، علی‌اشرف؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۱)، «خاص‌گرایی فرهنگی و بازتولید هویت‌های دینی: با تأکید بر جنبش بیداری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال ۱، شماره ۳.

نکویی، احمد (۱۳۸۸). «تأثیر برجسته شدن نقش و هویت شیعیان در جایگاه ایران در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، جهان اسلام*، سال ۱۰، شماره ۳۷.

نیاکویی، امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۴، شماره ۴.

(ب) منابع انگلیسی

- Al-obeid, Aref (2013). **Relations between Iran and Syria and the Impact of the Syrian Crisis**, in <http://www.mees.com/en/articles/3023>.
- Al-Kateb, Ahmad (2009). **Salafism and Shi'im: A Conflict between Text and Interpretation, or Adifference in History and Politics?** In <http://www.google.com/#q=salafi.+al-+katib+2009.pdf>.
- Akhavi, Shahrough (1987). "Iran: Implementation of an Islamic State" in: **Islam in Asia: Religion, Politics and Society**, ed. John Esposito. New York: Oxford University Press.
- Cordesman, Anthony H. (2006). **Iran's Support of the Hezbollah in Lebanon**, Center for Strategic and International Studies, Arleigh A. Burke Chair in Strategy.
- Berti, Benedetta and Guzansky, Yoel (2012). **The Syrian Crisis and the Saudi-Iranian Rivalry**, in <http://www.fpri.org/articles/2012/10/syrian-crisis-and-saudi-iranian-rivalry>.
- Brier, Alan and Calvert, Peter (1982). "Revolution in the 1960", **Political Studies**, 32: 1.
- Chossudovsky, Michel (2011). **A Humanitarian War on Syria?** in <http://www.gObalresearch.ca/index.php?context=va>
- Collins, Alan (2010). **Contemporary Security Studies**, New York: Oxford University Press.

- Ensher, Henry A. (2011). **Iran- Syria Relations and the Arab Spring, Iran Tracker**, Available at [www.irantracker.org/foreign-relations/iran-syria-relations-and-arab-spring](http://www.irantracker.org/foreign-relations/iran-syria-relations-and-arab-spring).
- Fuller, Graham E. (2011, June 7). "US Should Support Arab Spring, not Saudi Arabia's Dangerous Reaction", **The Christian Science Monitor**, in <http://www.csmonitor.com>.
- Gallarotti, Giulio; Elfalily, Essam and Osama, Tayyeb, (2012). "Saudi Arabia and the Use of Soft Power", Division II Faculty Publications, **Social Sciences**, p, 1-26.
- Haliday, Fred (1996). "The Politics of Islamic Fundamentalism", in: **Globalization and Post Modernity**, London: Routledge.
- Helfont, Samuel (2009). "The Muslim Brotherhood and the Emerging 'Shia Crescent'", **Elsevier.liss**, The International Institute for Strategic Studies.
- Dacey, Julien Barnes and Levy, Daniel (2013). **The Regional Struggle for Syria**, Published by the European Council on Foreign Relations (ECFR), 35 Old Queen Street, London, SW1H 9JA, United Kingdom. <http://www.google.com/#q=article+political>.
- Lawrence, Joyce (2007). **The Journal of International Policy Solutions the Israeli-Syrian Conflict: Prospects for a Resolution**.
- Moussalli, Ahmad (2009), **Wahhabism, Salafism and Islamism: Who Is the Enemy? Conflicts Forum: Beirut - London-Washington**, in <http://www.google.com/#q=ahmad+moussalli+wahhabism+salafism+and+islamism+who+is+the+enemy>.
- Manfreda, primoz (2010), **Saudi Arabia and Syrian Uprising Why Saudi Arabia supports the Syrian opposition**, in <http://middleeast.about.com>.
- Mohsen M. Milan (2011), **Iran and Saudi Arabia Squari off**, in <http://www.foreignaffairs.com/aiticles/136409/mohsen-m-milani/>
- Nerguizian, Aram (2012), **U.S. and Iranian Strategic Competition: The Proxy Cold War in the Levant, Egypt and Jordan**, a report of the csis burke chair in strategy.pp.1-148.
- Nasr, Vali (2006). **The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future**, with permission of the publisher, W.W. Norton & Company Inc.
- Ondrej, Beranek (2009). **Divided Us Survive: A Landscape of Fragmentation in Saudi Arabia**, January.PP1-8.
- PAUL. (2007), **Definition of zealotism**, January 15, <http://www.urbandictionary.com/define.php?term=zealotism>



بررسی تقابلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در...

---

Prados, Alfred. B. and Sharp, Jermei. M. (2005). "Syria: political conditions & Relations with the United State after the Iraq War", **Congressional Research Service**, CRS Report for Congress, January, received through the crs web.

Uzi Rabi & Chelsi Mueller (2012), **Saudi Arabia, Qatar and the Syrian Uprising**, in <http://www.google.com/#q=Saudi+Arabia%2C+Qatar+and+the+Syrian+Uprising>

